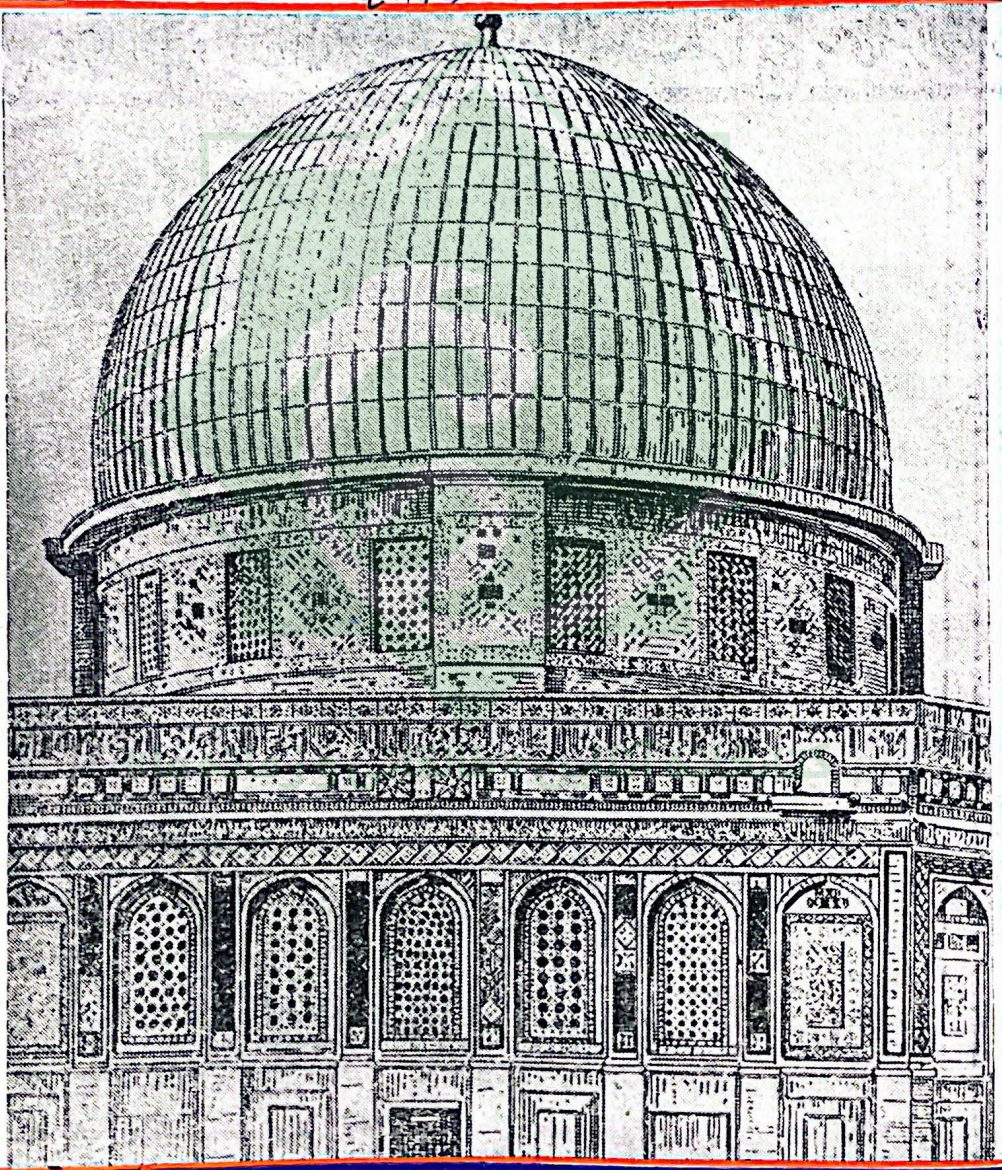


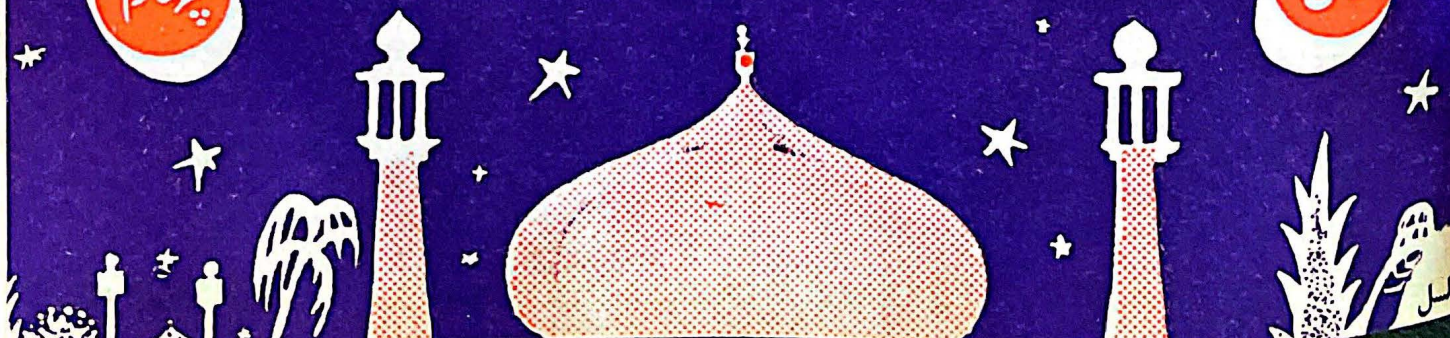
آب حیات اسلام

جمعه ۱۱ دی ۱۳۲۶ { شماره ۳۳ } برابر ۱۹ صفر ۱۳۶۷
۱۳۲۶



چهارم

سال



گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن

انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۲۰)

قدرت و سیادت بنی اسرائیل نتیجه علمی بود و ذلت و انحطاط آنها هم معلول علت‌هایی دیگر و باید باین نکته توجه داشت که بخت و اقبال در عالم معنی و مفهومی ندارد همه حوادث مستند بیک سلسله علل و اسبابند که بعضی از آنها خارج از اراده آدمی و برخی دیگر باراده او میباشند قرآن بطور عموم حوادث تاریخی و علل آنرا به عهد بیان میفرماید و در هر جا که قضایای تاریخی را تشریح میکند و فای‌بهدرا که جامع تمام مظاهر و پیش آمدهای تاریخی است تذکر میدهد مثلا پس از شرح قضایا و علل انقراض قوم نمود همین و فای‌بهدرا را تکرار میکند.

و ایای فارهبون. فقط متوجه من باشید و از من بترسید (ایای) چون قبل از کلمه (فارهبون) است حصر را میرساند یعنی تنها از من بترسید نه از دیگران.

یکی از علل بزرگ پراکنندگی و اضمحلال یک ملت ترس و وحشت است. خود باختگی در مقابل حوادث و پیش آمدهای روزگار و ترس و هم از افراد و مقامات مختلف ذلت و زبونی بار میآورد. مثلا کسی که از مردن میترسد تمام عمر خود را در هول از مرگ سرمیکند.

خدا میگوید از هیچ چیز و از هیچ قدرت و شخصیتی مترسید و کاملاً آرامش خاطر داشته باشید زیرا تنها من مرکز قدرت و کانون توانم.

آنکس که از خدا بترسد از هیچ قدرت و شخصیتی نمیترسد و فکر از دست دادن شغل و مقام او را نمیسوزاند.

باید از خدا ترسید! مگر خداهم ترس و بیم دارد! خدا

که منشاء هر جمال و خوبی است و مبدا هر شفقت و مهربانی است. آری یزدان پاک آفریننده هر زیبایی و نیکی است اما

این توانای مطلق و این دانای حکیم همانطور که عالم را آفرید و بشر را خلق کرد راه سعادت و رستگاری آدمی را هم

نشان داد. ایزدی که بنیان آفرینش بر پایه حکمت استوار است برنامه زندگی آدمی را هم توسط انبیاء ارسال داشت

خداوند از آن مهربان‌تر است که بشر را بحال خود واگذارد تا در تاریکی جهل و کفر سرگردان و حیران باقی بماند لطف

او بیشتر از آنست که ما را بیافریند ولی برنامه زندگی و وظایف ما را نشان ندهد. باید از انحراف از راه راست ترسید و از

عدم انجام وظیفه هراسید. ترس از موجودات دیگر مخصوص کسی است که در مقام مشیت و دستورات یزدانی سرپیچی کند.

تا آن زمان که بنی اسرائیل تسلیم مشیت و اراده ایزدی و تابع قوانین و دستورات تورا بودند و از سرکشی در مقابل

مشیت و اراده خدا میترسیدند بعزت و آسایش زندگی میکردند اما از آن دم که از دستورات و قوانین الهی سر باز زدند و از

عدم انجام وظیفه خود ترسیدند دلیل همه شدند و مورد حملات

شدید دیگران واقع شده قدرت و یارای دفاع را از دست دادند. و آمنوا بما انزلت مصدقا لمامعکم و لا تکنونوا اول کافربه و لا تشتروا بآیاتی ثمنًا قليلا و ایای فاتقون.

و ایمان آورید بآنچه فرو فرستاده‌ام در حالیکه تصدیق شده چیز هائیکه که باشما است، و شما نخستین کافربان میباشید و آیات مرا به بهای اندک مفروشید و تنها از من بپرهیزید.

این آیه خطاب به زمامداران و علمای بنی اسرائیل است که ترسیدند در نتیجه ایمان آوردن بدین اسلام مقام و شخصیت خود را از دست بدهند و مردم از گردشان پراکنده شوند. لذا آیات الهی را بمیل خاطر و هوسهای پست خود فروختند و چقدر هم کم فروختند آیات ایزدی را برای چند روزی خوشی ظاهری تکذیب کردند.

ای قوم بنی اسرائیل شما که شب و روز در انتظار ظهور پیغمبر اسلام بسر میبردید پیشرو کافران مشوید.

ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکنموا الحق و انتم تعلمون. و حق را لباس باطل مپوشانید (باحق را با باطل اشتباه نکنید) و حق را کتمان نکنید در حالیکه میدانید.

ای پیشوایان بنی اسرائیل لباس نازیبا و نارسای باطل را بر اندام زیبا و قامت رسای حق نکنید. زشتی این عمل بر شما واضح است. دست از این گونه فکر بردارید.

قوم یهود در میان ملل بیخبر از خدا و غرق در تاریکی جهالت تنها ملت موحد و خدا پرست زمین بودند و در انتظار ظهور پیغمبر اسلام بسر میبردند اما چون پیغمبر اسلام شروع به تبلیغ کرد بعضی آنکه خوشحال باشند و او را یاری کنند با او مبارزه کردند و تا آخر هم برای جلوگیری از بسط توحید قرآن کوشیدند چنانکه مخفیانه بامشر کین هم عهد شدند تا بر علیه مسلمین قیام کنند.

واقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و ارکعوا مع الراکعین و نماز را بپادارید و زکوة را بدهید و بار کوع کنندگان رکوع کنید.

رکوع عبارت است از خضوع که در نماز شکل ظاهری خاصی دارد.

اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تلتون الكتاب افلا تعقلون.

آیا مردم را به نیکو کاری امر میکنید و خود را فراموش مینمائید با اینکه کتاب میخوانید مگر اندیشه نمیکند.

و استعینوا بالصبر و الصلوة و انها الکبیرة الاعلی الخاشعین بوسیله صبر و نماز کمک جوئید و اینکار بسیار سنگین است مگر بر کسانی که خشوع میکنند.

عموم افراد حق را تشخیص میدهند. هیچکس نمیگوید دروغ پسندیده و دزدی خوب است اما آنچه آدمی را فلج میکند شهوات پست مادی و خواهشهای نفسانی است که وجدان پاک فطری را تارک ساخته نیروی فکر را استخدام میکند.

قرآن برای ایجاد تقویت نیروی داخلی و مبارزه با شهوات نابجا قوم بنی اسرائیل را بنماز و صبر دعوت میکند.

اگر کسی روزی چند مرتبه نماز بخواند یعنی باین

زنها و جنگ

و دارویی برای مجروحین به‌مراه آورده ایم. و حماسه‌ها و اشعاری سروده ایم که بوسیله آنها مردان را در راه خدا یاری نمایم.

پس حضرت فرمودند: - بدون درنگ فوراً باز گردید.

در خبری دیگر از ابن حجر روایت شده است که می‌گوید ام کبشه قضاعی عرض کرد: - یا رسول الله آیا اجازه میدهم مرا که در فلان قشون و فلان قشون خارج شوم؟ حضرت فرمودند: - خیر. عرض کردم خیال جنگ ندارم بلکه قصد من معالجه مجروحین و بیماران و سقایت میباشد. فرمودند: چنانچه جایز بود و چنین انتشاری ناپسند نمی بود هر آینه اجازه ات میدادم. لیکن در منزل بازمان.

و در روایت از ابن سعد است که او هم از ابن شیبه نقل کرده. که حضرت رسول (ص) با او فرمودند: در خانه بمان تا نگویند محمد با زنان بجنگ می‌رود.

بخاری در کتاب «جهاد و سیر» خبری از عایشه بدست آورده که می‌گوید: - از حضرت رسول (ص) اذن جهاد خواستم فرمودند: - جهاد شما زنان حج مبرور است.

و نیز ابن ماجه از عایشه روایت مینماید که گفت: - یا رسول الله. آیا بر زنان جهاد واجب است؟ حضرت فرمودند: - بله. ولی جهاد بدون جنگ و آن حج بیت الله و عمره است.

و ایضاً زنی از عایشه روایت میکند که گفت: - یا رسول الله اجازه میدهمید خارج شده با شما جهاد نمایم؟ زیرا که در قرآن مجید عملی افضل از جهاد نمی بینم حضرت فرمودند: - لیکن بهتر و افضل از جهاد برای زنان حج مبرور است.

اما بعد این مقدمه از اخبار و آثاری است که تا کید می نماید بر اینکه خروج بانوان برای جنگ اولاً از زمان وجوب حجاب در سال پنجم هجرت منسوخ گردیده و ثانیاً وجوب حج در سال نهم از هجرت نیز این موضوع را تایید نموده است.

در هر حال دینی که از اقدام بانوان به حج که یکی از ارکان دین است بدون همراهی شوهران یا یکی از محارم نهی مینماید. چگونه ممکن است امر بشرکت در جنگ با مردان را آزاد گذارد.

پس بفرض وجود چنین خبری دایره بر شرکت هزار و هفتصد زن بی شوهر در جنگ قادسیه که دست آویز استاد نگارنده قرار گرفته. ناچاریم صحت این روایت را مورد شک و عدم اعتنا قرار دهیم. و چنانکه در بالا ثابت نمودیم با فرمایشات حضرت رسول (ص) در این موضوع مهم کاملاً مخالفت آشکارا دارد.

و این فطرت ذاتی که هر مسلمان غیرتمند را وادار به همراهی با همسر و خواهرانش در دیدار از پدر و مادر یا عیادت از خواهرانشان می نماید. هرگز اجازه نمی دهد که آنها را در رفتن بجنگ مجاز سازد.

بقیه از صفحه ۶

بکصد و ده حکایت

ترقی نکرده و سفارش میکند که بیشتر در مشق و درس اودقت کنید فقط در اواخر ایام که خیلی ترقی کرد همراه الله وردی میرزا پسر فتحعلی شاه که بحکومت کرمان منصوب شده بود رفت بکرمان و عنوان مستوفی بخود گرفت این بودغایة القصوای ترقی آنرحوم پس معلوم شد که هیچگاه باسهم وزارت هم نامزد نشد ولی از آنجا که مرحوم عباس افندی در تقلیب مطالب و کفر و افکار ساختن که امروزه آنها هوجی گری میگویند مشق کرده و استاد بود همانطور که یک بشر محدودی را خدا ساخت و وهمش را در دلها انداخت چه خود را هم وزیر ساخت و در نوشتجاتش نوشت که پدر جمال مبارک! از وزراء عصر فتحعلیشاه بوده و این خود برهان بطلان است زیرا حق منزه از این تظاهرات است.

بقیه از صفحه ۴

اقتباس از درس تفهیم پر آن

پاك و قصد قربت رابطه ای با کمال مطلق برقرار کند مقتدر و توانا خواهد شد. کسی که متوجه حق باشد مثل عقرب به مغناطیس دائماً در یک امتداد معین و معلوم قرار میگیرد.

از اینجاست که حوادث و بلاها او را از هدف و خط سیر خود باز نیندازد.

روزی که پیغمبر اسلام از مکه بمدینه مخفیانه مهاجرت کرد باروزی که باهشت هزار شمشیر زن که هر کدام قسمتی از دنیا را فتح کردند بیکه وارد شد در احوال او کوچکترین فرقی حاصل نشده بود.

این چه قدرت و نیروئی است که توازن و آرامش را حفظ میکند؟

این همان نیروی ایمان است.

و نیز امکان پذیر نیست در مناطقی که هم کشته شدن و هم اسارت در آنها است شوهری زن خود را به‌مراه برد.

جهاد زنان در جنگهای دفاعی بر علیه کفار تا آخرین نفس نهایت وجوب را دارد لیکن باید دانست که این در هنگامی است که ترس از فرار مسلمین بعلت نقصان لوازم جنگی و کمی نفرات در میان باشد.

اما در غیر این صورت واجب است کمک در جهاد را زنان بوسیله توقف در خانه‌هایشان و دور بودن از مناطق خطر مردان را در کارزار آسوده خیال و تقویت نمایند.

استدلالات ما همه متکی با حدیث صحیحه میباشد. و در صورتیکه نگارنده محترم در صحت اظهارات ما تردیدی داشته باشند خود را برای همکاری در فحص بیشتری در این مطلب با ما شرکت دهند.

در هر صورت صفحات النذیر افتخار بدریافت پاسخ ایشان را دارد.

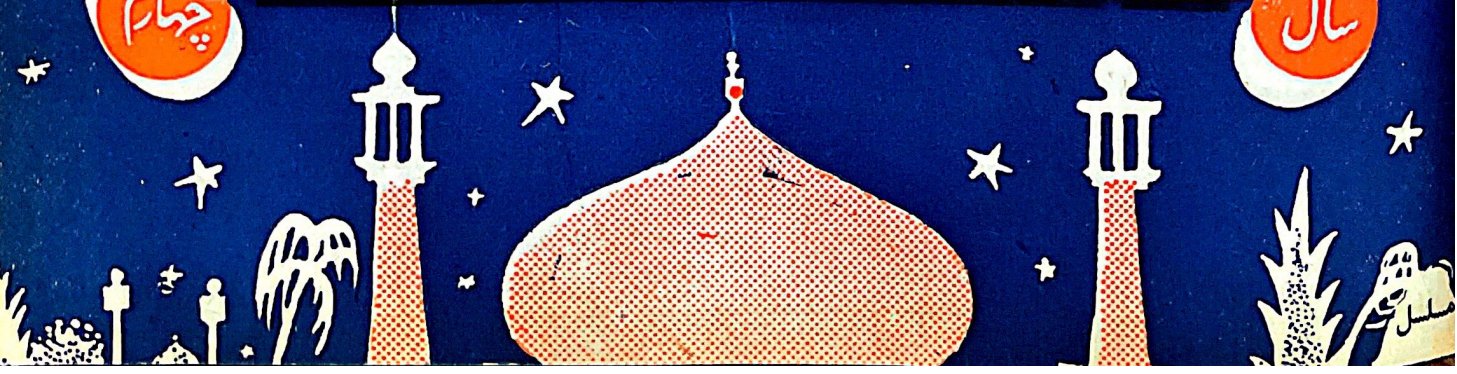
آبشار اسلام

جمعه ۱۸ دی ۱۳۳۶ شماره ۳۴ برابر ۴۶ صفر ۱۳۶۷



چهارم

سال



گفینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن

انجمن اسلامی دانشجویان در شهرهای جمعه

(۲۱)

وانهالكبيرة الاعلى الغاشمين .

نماز حسابی خواندن و صبر و شکیبایی در مقابل امیال شهواتی کاری بسیار مشکل است مگر برای کسانی که خاشعند زیرا نماز خواندن خشوع و حالت فداکاری و از خودگذشتگی لازم دارد .

الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم وانهم الیه راجعون .
(خاشعین) کسانی هستند که باور دارند بملاقات پروردگار شان رسیده بسوی او بازگشت میکنند .

یابنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم وانی فضلتکم علی العالمین .

ای فرزندان اسرائیل نعمتی را که بشما بخشیدم و برتری برجهانیان را که بشما دادم بیاد آورید .

واتقوا یوما لا تجزی نفس عن نفس شیئا و لا یقبل منها شفاعة ولا یؤخذ منها عدل و لا هم ینصرون .

و در اندیشه روزی باشید که کسی اندکی از جزای دیگری را هم نخواهد دید و شفاعتی از او قبول نخواهد شد و عوضی از او پذیرفته نیست و کمک هم نمیشوند .

این آیه در وصف روزی است که بنامهای قیامت ، روز جزا روز معاد و غیره یاد میشود ولی قرآن هیچیک از آنها را بیان نمیکند . قرآن وصف این روز را از جهت وضع و احوال مردم و منقطع شدن اسباب کمک و یاری ذکر میکند و اینطور توصیف میکند که بهیچوجه کسی جزای دیگری واقع نمیکرد و بجای دیگری شکنجه نمیشود و کسی هم بواسطه شفاعت نمیتواند از عذاب برهد در آنروز ارتباطهایی که بین افراد در این جهان معمول است منقطع خواهد شد و هر کس تنها با اخلاق و افکار و اعمال خود باقی خواهد ماند .

بعضی از مفسرین این شفاعت را نوعی شفاعت خاص دانسته اند . مثلا میگویند این نفی شفاعت در مورد کافرانست . برخی این نفی شفاعت را درباره اهل گناهان کبیره میدانند و میگویند شفاعت درباره اهل گناهان صغیره باقی است .

این توجهات بعلمت آنست که اخباری در بین شیعه و اهل سنت هر دو هست که یکنوع شفاعت را اثبات و قسم دیگر را نفی میکنند . علاوه آیات دیگری هم نوعی شفاعت را بیان میکنند مثلا قرآن در سوره بقره میفرماید «من ذالذی یشفع عنده الا باذنہ» چه کسی میتواند بی اذن خدا شفاعت کند ، پس معلوم میشود باذن خدا شفاعتی هست و در سوره دیگر میفرماید «ولا یشفعون الا لمن یرتضی» شفاعت نمیکند مگر برای کسانی که مورد رضایت خدا باشد .

اما از طرفی این آیه نفی شفاعت میکند و این نفی قابل تخصیص نیست زیرا شفاعت اسم نکره در سیاق نفی است پس از لحاظ ادبی نفی شفاعت افصاحه عموم دارد و خصوصیتی باقی نخواهد گذاشت همانطور که معنی «لا رجل فی الدار» یعنی

ابدأ مردی در خانه نیست ، در اینجا هم هیچ شفاعتی در بین نخواهد بود .

پس بین این نفی و اثبات چه باید کرد ؟ آیا اشخاص گناه کار باید ناامید باشند ؟ ناامیدی از خدا که کفر است .

علمای بزرگی که درباره مبداء و معاد مطالعات زیاد دارند شفاعت را مثل یکی از هزاران امور زندگی عادی میدانند غزالی میگوید : شفاعت یکی از امور عادی این عالم است . مثلا اگر کسی روزی بخواهد باید مقداری اسباب و وسایل بکار انداخته زمین را شخم بزند و تخم بیفشانند و آبیاری کنند و باضافه زمین مستعد و خوب هم انتخاب کرده باشد آنوقت میتواند کنار نشسته منتظر عنایات و لطف یزدانی شود . اما اگر در فراهم ساختن مقدمات کوتاهی کند یعنی هیچکاری نکرده منتظر رحمت خدا باشد آرزوی سفیانه دارد . پس انتظار لطف و رحمت در موردیکه مقدمات تهیه شده و منتظر نتیجه است بجای می باشد .

آیاتی که نفی شفاعت میکنند خطاب به یهودیانی است که چنین هواهای خام میپختند و درخواستهای بیجائی میکردند . یهودیان مقام خود را خیلی بالا گرفته بودند . معتقد بودند دنیا تنها برای ایشان خلق شده و مقدمه وجود آنهاست و مردم همه بندگان آنها میباشند که اطاعت نمیکند و زنان کنیزان آنها هستند که تمکین ندارند و تمام زمین مال آنهاست که دیگران غصب کرده اند . و یهود تنها خدای بنی اسرائیل است و انبیاء و آخرت هم فقط برای آنهاست و جایشان در بهشت است و روی همین اشتباه و غرور بود که بدین فلاکت افتادند پس معنی شفاعت در این آیه عبارت از شفاعت بی بند و بار و شفاعتی است که بر پایه توقع استوار باشد . بنا بر این شفاعت آنطوری که باذن خدا باشد در مورد کسانی که خدا از آنان راضی است یک قاعده کلی و ثابت است .

کلمه شفاعت اسم مصدر از شفع بمعنی ضمیمه شدن دو چیز باهم میباشد شفاعت از مجرم هم بهمین معنی است . مثلا شخص آبرومندی که در دستگاه دولتی مورد احترام است قسمتی از آبروی خود را با مجرم ضمیمه کرده در نتیجه مجرم قدری آبرومند میشود و از شدت کفرش کاسته میگردد . این معنی در تمام امور عالم مثل حرکت و سرعت و غیره حکم فرماست اگر جسم کوچکی در روی آب مقابل جسم بزرگی قرار گیرد این دو یکدیگر را جذب مینمایند تا آنجا که شدت جاذبه جسم بزرگتر بواسطه سرعت حرکت بر روی جسم کوچک بزرگ شده آنها را با شدت هر چه تمامتر جذب نموده بخود ملحق میسازد پس شفع و ضمیمه شدن اجسام و قوا یکدیگر در تمام عالم برقرار است و انسان هم یکی از موجوداتی است که تحت نفوذ قوانین و نوامیس این عالم زندگی میکند و در تحت جاذبه دو نیرو یکی معنویات و دیگری مادیات قرار گرفته است . آدمی بین این دو نیرو و این دو سرحد است اگر متوجه معنویات شود یعنی از سرحد مادیات خارج شده بآن سو روی آورد سرعت سیرش بجانب معنویات افزون شده هر آن بیشتر میگردد . عمده زحمت خارج شدن از حوزه جاذبه مادیات و متوجه شدن معنویات است .

فتوای حضرت حجت الاسلام و المسلمین

آیه الله آقای آقا سید ابوالقاسم کاشانی
حضرت آیه الله کاشانی در پاسخ استفتائی که در خصوص
تصمیم غیر عادلانه سازمان ملل در باره فلسطین از ایشان
شده است چنین مرقوم فرموده اند :

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از جنگ جهانی دوم گمان میرفت دول بزرگ
عالم از آنهمه فجایع و آنهمه اتلاف نفوس و اموال و خرابیها
و بیچارگی های بشر که سالهای دراز جبران پذیر نیست پند و
عبرت گرفته و بجبران وقایع گذشته برای ایجاد عدل و داد و
کندن ریشه ظلم و فساد و جلوگیری از جنگ جهانی دیگر تشکیل
سازمان ملل متفق داده که از حقوق و آزادی ملل و دول ضعیف
حمایت و پشتیبانی نمایند چنانکه در اثنای جنگ بانواع و اقسام
مختلف باین تبلیغات عموم ملل را امیدوار مینمودند .

ولی متأسفانه از رفتار برخلاف انصاف و مروت سازمان
ملل در باره (اندونزی - مصر - فلسطین) خلاف آن ظاهر
شد و امید ملل ضعیف مبدل بیاس گردیده است .

معلوم نیست وطن بودن فلسطین برای مهاجرین یهودی
آلمانی و روسی و امریکائی و غیره مطابق کدام منطق و قانون
است ؟ که رأی به تقسیم آنجا میدهند .

اگر میخواهند یهود را از خود راضی کنند و استفاده -
هائیکه منظور است از آنها بنمایند در مملکت خود بآنها جا
بدهند و آنها را مستقل کنند .

در هر صورت تشکیل دولت یهودی در آتیه کانون مفساد
بزرگ برای مسلمین خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود و
زیان آن تنها متوجه اعراب فلسطین نمیگردد .

و علی ای حال بر تمام مسلمین عالم است از هر طریق که
میشود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع این مزاحمت
را از مسلمین فلسطین بنمایند .

خادم الاسلام و المسلمین سید ابوالقاسم کاشانی



✽ حضرت آیه الله آقا سید عبدالحسین شرف الدین در
پاسخ ستوالی که از ایشان در موضوع فلسطین شده است تصریح
فرموده و بعالم اسلامی چنین پیامی فرستاده اند :

ای مسلمانان وای عربها .
ساعت فدا کاری و ارسیده . و اجل سر آمده . و وعده
گاه ما فلسطین است . در آن جانبازی نموده و برای آن
زندگانی خواهیم نمود . درود بر شما روزی که شهید میمیرید
و روزیکه باسعادت بازگشت خواهید نمود .

۱۹ محرم ۱۳۶۷ ۲۱ ۱۹۴۷ عبدالحسین شرف الدین

هیئت برادران اسلامی

دسته ای بنام هیئت برادران اسلامی در تاریخ ۲۰ شهر
ذی الحجة الحرام بوسیله یکمده از جوانان در رباط کریم شهریار
تاسیس گشته و برای ایجاد یک وحدت اسلامی تحت مرام نامه
و برنامه معینی مشغول کار گشتند . اسمعیل جعفری

بقیه از صفحه ۴

اقتیاس از درس تفسیر قرآن
قرآن در سوره القارعة میفرماید « و اما من ثقلت موازینه
فهو فی عیشة راضیه » چون جذب و آنجذاب هر موجودی
باندازه موادی است که در بردارد و سنگینی آنها بوسیله
آنست آن کس که ثقل معنوی دارد مجذوب معنویات شده هر
قدم ثانوی را راحت تر و آسوده تر بر میدارد « و اما من خفت
موازینة فامه هاویة » اما آنکس که ثقل معنوی نداشته باشد
همواره دچار تشنج بوده مقصدش پرتگاه بزرگ است .

روی این اصل حقیقت شفاعت یعنی ضمیمه شدن و جذب
و انجذاب موضوعی صحیح و یکی از قوانین طبیعی و عادی است .
انبیاء که فرموده اند گناهان صغیره مشمول رحمت
ایزدی است در باره کسانی است که تحت جاذبه عالم معنویت
قرار گرفته اند زیرا قوای خیر با آدمی ضمیمه شده لغزشهای
جزئی را بر طرف و خنثی میکند .

پس نفی شفاعت در این آیه شفاعت غیر منطقی و نایجابی
است که یهودیان در نظر داشتند و چنانکه ذکر شد شفاعت باذن
خدا ممکن است و اذن خداهم همان اراده و مشیت خداست و
مطابق حکمت و قانون صحیح است . پس کسانی که بزوش
منطقی و صحیح بسوی مبداء هستی پیش رفته و خدا از آنان
راضی باشد اگر نواقصی هم داشته باشند جبران شده و مورد
شفاعت یعنی ضمیمه شدن قوای فعاله الهی که مظهر بزرگ
آنها انبیاء و اولیاء هستند قرار میگیرند .

بعبارت دیگر در برابر ابراز یک نیروی خیر و حسن
عمل چندین مقابل قوای خیرشان افزوده میشود و مجذوب
بسوی مرکز سعادت و بهشت برین خواهند شد .

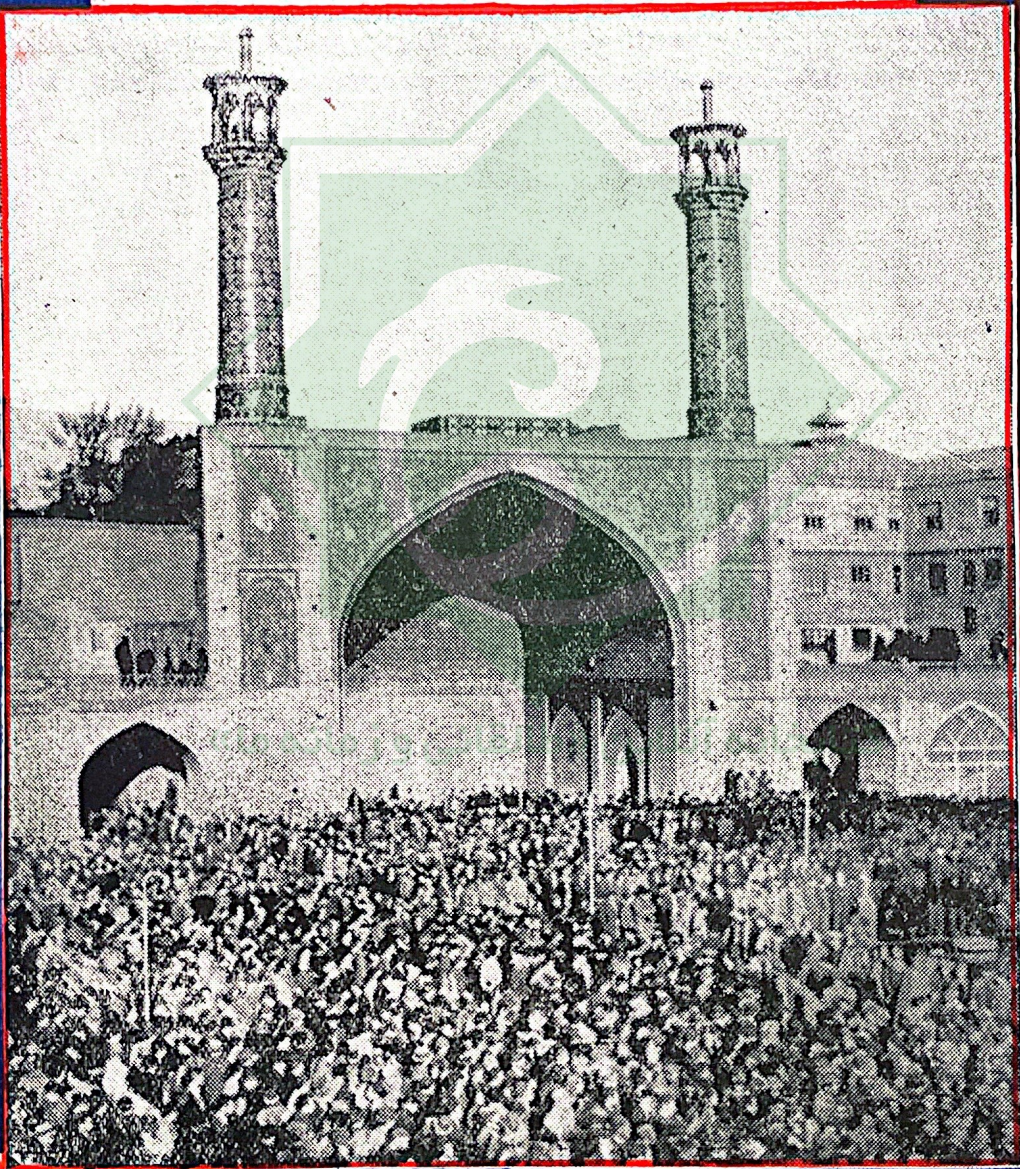
بقیه از صفحه ۱۶ یگانه فلسفه شایان ...

بهبودی دردهای اجتماعی خود میتوانید بکار بندید .
بر مسلمانان جهان بخصوص ایرانیان بالاخص ثروتمندان
است که علاج واقعه قبل از وقوع بنمایند و باندیشه آینده
خطرناک خود بوده باشند و بوسیله پیروی از آمیغهای تابناک
اسلام همه چیز خود را نگاهداری نموده و از زیر چنگال زهر -
آکین اهریمنان خون آشام رهایی بخشند و نگذارند که این تیره
درونان پست نهاد در اجتماعات آنان رخنه پیدا کنند و ریشه دوانی
نمایند و آنچه را که میخواهند بی هیچ مانع و رادعی انجام دهند .
مسلمانان باز سفارش میکنم که بیدار شوید و بنه غفلت
از گوش فرو اندازید و چشمان خواب آلود خود را باز نمایید
و بر آینده خطرناک و هول انگیزی که شمارا تهدید بفنا نیستی
واضحلال میکند بادیده بینش و چاره جوئی نگران شوید و
خود را از گردن و آسیبی که بنا بودی شما میانجامد بایستادن
حقایق نورانی دین برکنار دارید و بانیروی راستی و درستی
نگذارید یکمشت نابخرد و پست بایلوه سرائی خود توده شما
را از راه منحرف سازند و شمارا بجان یکدیگر بیندازند و با
گل آلود نمودن آب هر آنچه ماهی میخواهند بگیرند و بهره هدف
پست و بلبیدی که میخواهند برسند .

پیوسته کوشا باشید که مستمندان و ثروتمندان را پایک
دیگر دوست و آشنا سازید و برادری و برابری را چنانچه قرآن
فرموده است در میانه خود برقرار نمایید . که تنها چاره منحصر بفرد
همین است و راه اینکار هم همان است که نگاشته شد بیدار باشید !!

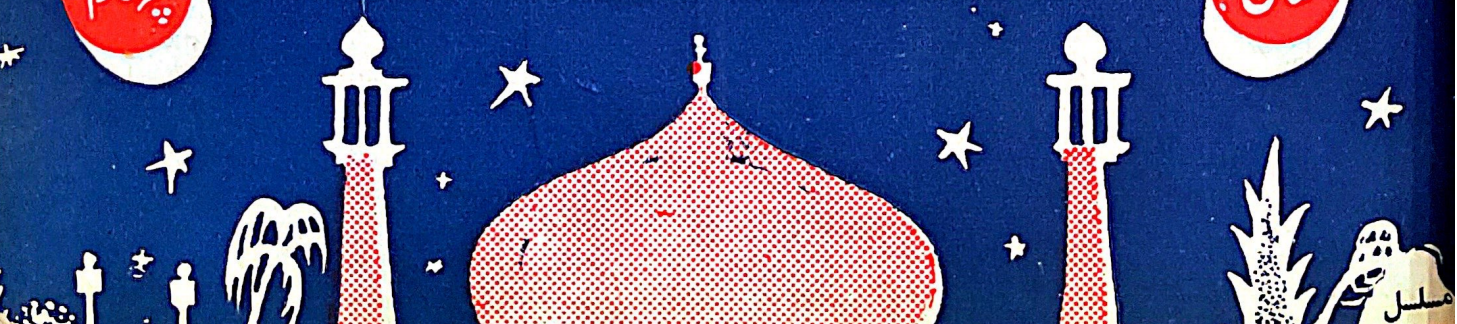
آبنا اسلام

جمعه ۲۵ دی ۱۳۲۶ { شماره ۳۵ } برابر ۳ ربیع الاول ۱۳۶۷



چهارم

سال



صاحب امتیاز
مدیر و سردبیر
نصرت نه‌نوریانی
نشانی - تهران - سرپل ایسیر بهار
تلفن ۸۹۱۹



بهای اشتراک
در کشور: سالانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان کارگران
= ۱۵۰ ریال
در خارج: سالانه ۳۰۰ ریال

بهای اشتراک قبلاً دریافت شود

ان الدین عند الله الاسلام

شماره پنج ریال

قابل توجه آقای حکیمی و نمایندگان مجلس

و وزارت فرهنگ

کشوری مانند ایران که مردم از قید اسارت و محدودیتهای فکری و اختناق افکار رهائی یافته‌اند و کم و بیش آزادانه می‌توانند آنچه که می‌خواهند بگویند و آنچه آرزو دارند بطلبند، حق است که قدرتی بیشتر از حکومت سابق در این حکومت ملی بدست آورند و آزادانه در تنظیم امور آن شرکت کنند.

شما ای نمایندگان ملت و مسئولین امور بیک عمل مثبت برای تأمین نظریات این ملت نشان دهید و آنرا مطمئن سازید که اراده افراد در حکومت فعلی مؤثر است و واقعاً افراد این مملکت از مزایای حکومت دموکراسی بهره‌مند می‌شوند آنگاه ملاحظه کنید که این ملت خسته و ناتوان تا چه اندازه برای پیشرفت و سعادت کشور و ملتش از خود گذشته‌گی نشان می‌دهد. مدتی است افراد این ملت بوسایل مقتضی فریاد می‌زنند که از تولید و فروش مشروبات الکلی در این کشور جلوگیری شود و هنوز اقدام لازم و رضایت بخشی از طرف دولت‌های ملی !! معمول نگردیده است.

مردم اصرار دارند که برنامه فرهنگی با مقررات دین رسمی کشور سازگار شود و لااقل نماز و خواندن کتاب آن در دبستانها و دبیرستانها جزو برنامه قرار گیرد هنوز کوچکترین قدمی از طرف دولت وقت برای بر آوردن

کشور ما امروز دارای حکومت دموکراسی است. و مسئولین چنین حکومتی باید تابع افکار و نظریات افراد آن ملت باشند. یعنی آنچه عموم و اکثریت افراد ملت خواهان می‌باشند آن را بخواهند و بدان طریق عمل کنند. در چنین حکومتی دولت نمیتواند نسبت بافکار عمومی بی‌اعتناء باشد.

در حقیقت دموکراسی بهترین روشی است که آزادی فردی و تنویر افکار در حکومت آن بحد اعلای خود نافذ و موثر است. شکی نیست دولتی در چنین حکومتی پایدار می‌ماند که بیشتر و بهتر بتواند از عهده انجام تمایلات ملت برآمده و در تشخیص افکار حقیقی آن ملت کوشیده و در اجرای منویات آن سعی نماید.

آن حکومتی میتواند به پشتیبانی ملت استظهار کامل داشته باشد که در حصول سعادت آن ملت از صمیم دل فعالیت نماید. ملتی را میتوان سعادتمند دانست که آنچه افراد آن میخواهند بتوانند بدست آورند و از عدالت اجتماعی و مزایای حقیقی حیات بهره‌مند شوند.

نظر اصلی در حکومت دموکراسی آن است که توده مردم بتوانند بر حسب استعدادی که دارند بآرزوهای اجتماعی خودشان برسند و در مقدرات خویش دخیل باشند. دولت آقای حکیمی باید توجه کامل داشته باشد در یک

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن

افچمن اسلامی دانشجو یان در شبهای جمعه

(۲۲)

واذ نجینا کم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب
یدبحون ابناء کم ویستحبون نساء کم وفی ذلکم بلاء من
ربکم عظیم .

متوجه باشید زمانیکه شمارا از آل فرعون نجات دادیم
بسیخترین شکنجه شمارا عذاب میکردند، پسران شمارا میکشند
و زنانتان را زنده نگاه میداشتند و در تمام اینها برای شما
آزمایشی بزرگ از جانب پروردگار شما بود .

توراة و برخی روایات اینطور مینویسند که در اثر
پیشگویی منجمین فرعون مصر برای حفظ سلطنت خود فرمان
داد که پسران نوزاد بنی اسرائیل را بکشند تا در میان آنها
کسی را که ستاره شناسان از او خبر داده بودند کشته شود اما قرآن
او پیشگویی منجمین ذکر کرده است .

اگر نظری بتاریخ بنی اسرائیل بیفکنیم می بینیم پس
از آنکه حضرت یوسف از چاه کنعان بدرآمده عزیز مصر شد
پدر و برادرانش بمصرفتند و چون افراد زارع و چوپانی بودند
و بدن نیرومند و عقل سالمی داشتند کم صاحب قدرت و
نفوذ شده پستهای حساس را اشغال کردند .

همانطور که خواربار مردم شهری از ده میآید عوض
تلفات مردم شهر نشین هم از ده تأمین میشود باین که مردم
شهر نشین مزاج سالم و روح پاک خود را از دست داده از بین
میروند و جای آنانرا افراد نیرومند بیابانی میگیرند چو
شهرها و محل اجتماعات بزرگ محیط انحطاط و از بین رفتن
و جدان پاک و جسم سالم است .

بنی اسرائیل بواسطه سلامت جسم و سوابق نیک پدران
خود موقعیت خوبی در مصر پیدا کردند و جمعیتشان روز بروز
درا افزایش بود و امور اجتماعی را بدست گرفتند، چون پادشاهان
مصر از آنها نگران شدند برای زیون کردن و تحدید نسل آنها
درفشار و سختی شان قراردادند، و برای جلوگیری از افزایش
آنها پسران آنها را میکشند و زنانشانرا بکاروا میداشتند .

اما عکس العمل این جور و مستمری آن شد که در خانه
خود فرعون موسائی تربیت شده کاخ شرک را واژگون ساخته
تخت سلطنت را برباد دهد .

قرآن میفرماید این مصائب و شکنجهها بلای بزرگی
از جانب پروردگار بود و اگر بانظر توحیدی بنگریم خواهیم
دید گذشته از اینکه این مصائب شرو بدبختی نبود مقدمه عزت
و قدرت بنی اسرائیل شد .

قدری ببیدیشیدوبه بینید غروریک ملت وظلم و مستمری
یک قوم را چه نیروئی جز بیلیات میتواند ازین ببرد ؟

البته برای قومی غافل و مغرور چون بنی اسرائیل این
شکنجه و عذابها لازم بود تا آنانرا از خواب غفلت بیدار سازد
و براه اندازد .

ترجمه از مجله النذیر

از خو پهای پیغمبر اکرم (ص)

حضرت رسول پیوسته بیماران را عیادت و بافقر آه نشست
و برخواست نموده و با مساکین و باینویایات غذا تناول
میفرمودند .

حضرت مزاح مینمودند ولی ضمن مزاح جز حق چیزی
نیفرمودند . و تبسم میفرمودند . ولی بقیه نمی خندیدند .
هیچ فقیری را بمناسبت فقرش بچشم حقارت نمی نگریستند و
بهیچ پادشاهی از نظر مقام سلطنتی اهمیتی قائل نبودند . در
میان امتی بی سواد نشوونما فرمودند و با وجود بی سواد کتاب
الهی را میخواندند ولی بدست خویش نمی نوشتند .

با اینهمه از حیث دانش دریائی بس ژرف و از حیث رفت
و رحمت نسبت ب مردم مانند آبی گوارا بودند . دشمنان را
بجای نفرین دعا میفرمودند که هدایت شوند چه آنها جاهل و
نادان بودند .

از نظر شخصی هیچگاه غضبناک نشدند بلکه غضب آن
حضرت در موقعی بود که نسبت به پروردگار متعال اسائه ادب
و هتک حرمتی ملاحظه میفرمودند . و همچنانکه خداوند در قرآن
مجید گواهی داده نه بسیار نرم و نه بسیار خشن و نه ناسزا گو
و نه فحاش بوده اند . و هیچگاه سزای بدی را به بدی نمی دادند

بقیه در صفحه ۱۸

آیا این شکنجههای سخت برای قومی چون بنی اسرائیل
که پس از رهائی از چنگ فراعنه و استقلال یافتن در بیابان تیه
دور موسی (ع) را گرفته اعتراض میکردند چرا ما را از مصر
بیرون آوردی لا اقل آشی بما میدادند که بخوریم ؟ لازم نبود
افرادى که در نتیجه تحمل ستم و بیدادگری عزت نفس
و شخصیت خود را از دست میدهند اینطورند .

قرآن و امامه و همچنین کسانی که با حکومتهای جابرانه
مخالفت میورزند برای جلوگیری از بروز همین بدبختیها
و از دست دادن شخصیت هاست .

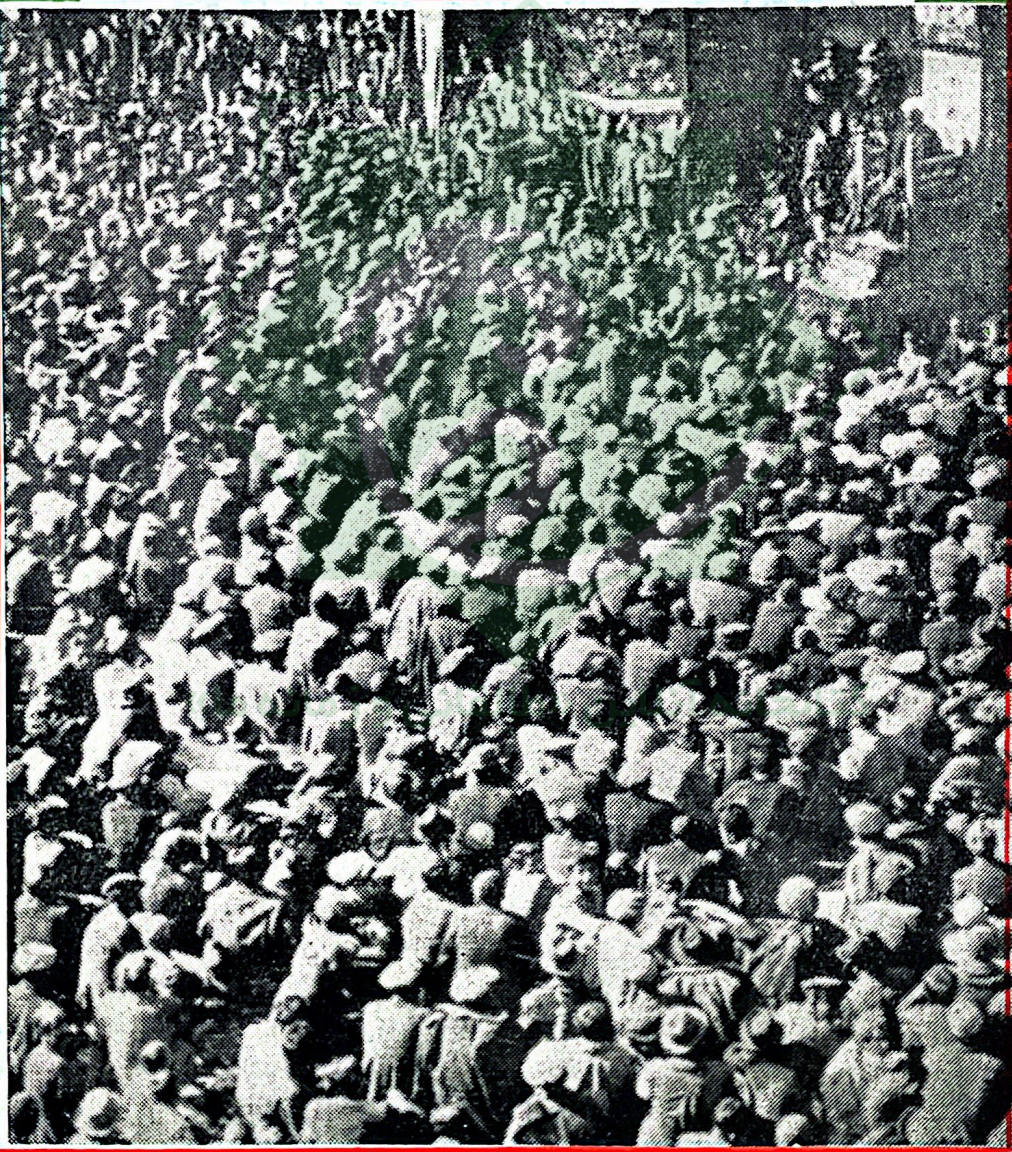
در اثر تحمل همین فشارهای طاقت فرسا افراد يك جامعه
رشد فکری خود را از دست میدهند و کار بجائی میرسد که
شخصیتی برای خود قائل نیستند و باور نمیکند که بتوانند
بآزادی و استقلال زندگی کنند !!

واذ فرقنا بکم البحر فانجینا کم و اغرقنا آل فرعون
وانتم تنظرون .

و بیاد آورید وقتی را که دربارا برای شما شکافتیم پس
شمارا نجات دادیم و فرعونیانرا در پیش دیده شما غرقه ساختیم .
پس از آنکه حضرت موسی در خانه فرعون بزرگ شد
ویکنفررا کشت و پیش شعیب پیغمبر گریخت و مدت هفت سال
چوپانی کرد بجانب مصر باز آمد و درین راه به پیغمبری برانگیخته
شد، چون بمصر آمد ، فرعون را بخدا پرستی و رهائی بنی اسرائیل
دعوت کرد، پس از نشان دادن آیات بنی اسرائیل را حرکت
داد و از دریا عبور کرد فرعون چون از رهائی یهود پشیمان
شد و بالشکر خود در پی آنها رفت خود و لشکریانش در میان
دریا غرق شدند .

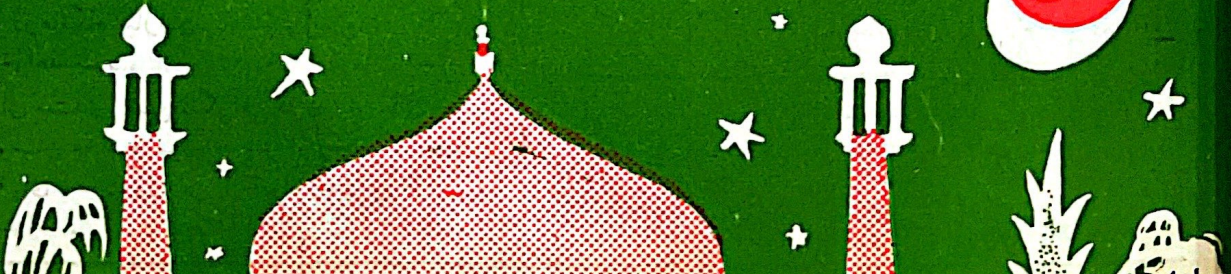
الاسلام

جمعه ۲ بهمن ۱۳۲۶ { شماره ۳۶ } برابر ۱۰ ربيع الاول ۱۳۶۷



چهارم

سال



صاحب امتیاز
و مدیر و سردبیر
نصرت نوریانی
نشانی - تهران - سرپل ایسر بهار
تقن ۸۹۱۹



بهای اشتراک
در کشور: سالانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان کارگران
= ۱۵۰ ریال =
در خارج: سالانه ۳۰۰ ریال

تکم شماره پنج ریال اِنَّ الَّذِیْ جَعَلَ اللّٰهَ الْاِسْلَامَ

بهای اشتراک قبل از دریافت شود

حاجی اناشریک

مقام روحانیت از این عملیات متفکر و صفای دیانت از این زشتی‌ها مبرا میباید.

متدینین حقیقی حق دارند که از خود بپرسند امروز چه موجبی ایجاد میکند که ناهلان چنین سنگ دیانت و طرفداری از روحانیت را بسینه میزنند و یک مسئله شرعی و واجب دینی را پیراهن عثمان قرار داده اینهمه سرو صدا در اطراف آن بلند میکنند و شاخه و برگهای ناموزونی بآن می‌بندند و بی جهت اذهان عمومی را مشوب و مشوش مینمایند؟

« موضوع حجاب و وجوب آن یک مسئله شرعی است و مربوطه به سیاست روز نبوده و نباید هم مورد ملعبه و سیاست روز قرار گیرد. »

باین حال مشاهده میشود که از این مسئله دارند حد اکثر استفاده سیاسی را مینمایند و معلوم نیست که برای تغییر حکومت و تعویض هیئت دولت بچنین حيله ناجوانمردانه‌ای متشبث شده‌اند یا میخواهند حکومت دیکتاتوری بوجود آورده و فاتحه آزادی را بخوانند یا تقویت یک سیاست خارجی مورد نظر است! بهر حال آنچه مسلم و قطعی است آنستکه این تظاهرات و ریاکاریهای عوام فریبانه قربه الی الله نبوده و از سرچشمه میثومی آب میخورد.

تعجب در اینجاست کسانی که امروز خود را در صف طرفداران دین و روحانیت انداخته همان‌هایی هستند که دیروز تساوی حقوق زن و مرد را امری طبیعی و مسلم و موضوعی قطعی و مبرهن دانسته و در سر لوحه ورق پاره‌های خود با خط درشت روز ۱۷ دی را روزی میمون ثبت نموده و در اطراف آزادی و نهضت بانوان قلم فرسائی میکردند. امروز در باره حجاب و محجوبه شدن زنان و پوشانیدن دختران مبالغه و افراط میکنند و حرارت و التهاب نشان میدهند و برای مبارزه با بیعفتی و بیعصمی و هزاران مفاسد اخلاقی و اجتماعی دیگر سینه میکوبند!

در زمان قدیم واقعه ای در کنار شط فرات اتفاق افتاد که موجب سرزبان افتادن جمله (حاجی اناشریک) گردید.

آن واقعه یابیش آمد از این قرار بود که دسته ای از حجاج ایرانی بنابه‌معمول و عادت و سلیقه خود دیک آشی را بجهت نهار آنروز بیار گذارده بودند موقعی که آتش حاضر و مهیا میشود عرب بیابانی از راه میرسد و موش مرده‌ای در دیک آتش انداخته میگردد (حاجی اناشریک) باین حيله و نیرنگ آتش حاضر و آماده شده حجاج را تصاحب میکند و باندازه اشتهاش غذای مفت و مجانی بدست میآورد.

در این روزها که متأسفانه آنطور که باید وضعیت تامينیه کشور رضایتبخش نمیباشد و عدم رضایت مردم از اوضاع زندگانی و گرانی سرسام آور و نامالایمات طاقت فرسا زمینه هر نوع شورش و بلوایی را فراهم و مهیا ساخته است دیده میشود که طفیلی‌هایی سنگ دیانت بسینه زده و مسئله دین و ایمان و معتقدات را پیش کشیده خود را علاقمند بدیانت و دلسوز بعالم روحانیت^۱ و پایبند بعالم اسلامی جلوه داده و بانانتشار اوراقی موجبات هیجان افکار عمومی و نگرانی متدینین و اقصی را فراهم آورده و دستاویزی برای برانگیختن احساسات مردم ساده لوح و آشفته ساختن محیط درست میکنند.

در حقیقت باین قبیل انتشارات و در پس پرده این نوع همکاری و جانب داری وزیر عنوان تشریک مساعی و دلسوزی و در لفافه انجام وظیفه و نهی از منکر اغراض پلیدی را در لباس دیانت و طرفداری از روحانیت در آورده و با آبروی دین و حیثیت روحانیت بازی نموده میخواهند خدا و قرآن و پیغمبر را ملعبه نیات ناپاک خود قرار دهند و آرزو دارند با ایجاد بلوا و شورش با انجام مقاصد شوم خود موفق شوند و در معنی باموش مرده خود در کین اند تظاهرات روحانیت و سلامت اسلامیت را در انظار جهانیان ناپاک و ناخوش جلوه گرزازند.

روز نامه آئین اسلام بنا بسوظیفه ای که بمسابق خود گرفته لازم میدانند که با صدای رسا اعلام دارد:

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن

افجمین اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۲۳)

واذواعد ناموسی اربعین ليله ثم اتخذتم العجل من بعده
واتم ظالمون .

و آنگاه که باموسی چهل شب وعده گذاشتیم شما بعد از موسی برای پرستش گوساله را اتخاذ کردید و شما ظالم بودید بعضی از عرفا يك دوران مواعده و گوساله پرستی مثل قوم بنی اسرائیل برای تمام افراد قائلند . میگویند هر فردی صاحب عقلی است فطری که پس از دنیا آمدن برای مواعده با خدا از شخص جدا میشود و نفس او میدان را خالی دیده باجرای شهوات و پرستش آمال فریبنده گوساله منش سرگرم میشود پس از پایان چهل سال عقل فطری باز آمده زمام امور را بکف میگیرد و نفس سرکش را مغلوب و سرکوب میکند یا بعبارت دیگر موسای عقل باز آمده گوساله را نابود میکند
ثم عفوانا عنكم من بعد ذلك لعلكم تشكرون
پس از آن از شما در گذشتیم باشد که براه شکر گزاری در آئید .

واذ آیتنا موسی الكتاب والفرقان لعلكم تهتدون
ویناد آورید موسی را کتاب و فرقان دادیم باشد که براه هدایت در آئید
کتاب بمعنای ثبت میباشد یعنی ثابت شد . مجله هائی را هم که اکنون کتاب میگوئیم بهمین اعتبار است زیرا مطالب آنها هم ثابت و نوشته شده .

اما کتابی را که قرآن در این آیه و آیات دیگر نام میبرد منظور صفحات جلد شده ای نیست بلکه عبارت از مجموعه دستورات و وظائف ثابت و لایتغیری است که از جانب خدا برای بشر نازل شده و لازم نیست این مطالب بشکل کتبی که امروزه در دسترس ماست باشد تا کتابش بنامیم .

فرقان یعنی جدا کننده . از این رو تعلیمات انبیاء و فرقان مینامند که نیکی و بدی ، صلاح و فساد ، سعادت و شقاوت و بطور کلی تمام امور نیک و بد زندگان را از هم متمایز و مشخص میکنند قبل از بعثت پیامبران فرقی بین افراد نبوده باین معنی که همه در یک سطح زندگی میکردند . پس از نزول فرقانست که تفاوت اشخاص معلوم میشود .

موسی چون از کوه طور بازگشته به بنی اسرائیل رسید مشاهده کرد که ملت توحید بزدن و خواندن و گوساله پرستی مشغولند ؛ اینان معنی استقلال را گوساله پرستی با استقلال و تنهایی تصور کرده بودند زیرا رشد فکری را از دست داده و نمیتوانستند استقلال فکری را بفهمند باین جهت میخواستند يك معبود مستقلی داشته باشند و بارها از موسی علیه السلام این تقاضا را نمودند ، تا آخر خود عملی کردند ، و اذ قال موسی لقومه یا قوم انکم ظلمتم انفسکم با اتخاذ کم

العجل فتوبوا الی بارئکم فاقتلوا انفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم فتاب علیکم انه هو التواب الرحیم
و آنگاه که موسی بقوم خود گفت با گوساله پرستی بنفس خود ظلم کردید پس بسوی پروردگار خود توبه کنید و خودتان را بکشید که برای شما پیش پروردگارتان بهتر است پس خدا توبه شما را پذیرفت زیرا بسیار توبه پذیر و مهربانست .
منظم تراشیدن قلم و بطور کلی درست و بکمال ساختن هر چیز را بری میگویند و یکی از صفات خداهم باری است زیرا خداوند تمام موجودات را از کارخانه خلقت درست و کامل بیرون داده است ،

چون موسی قوم خود را مشغول گوساله پرستی دید گفت ای بنی اسرائیل شما بواسطه پرستش گوساله بخود ستم کردید . خون شرك و گوساله پرستی هنوز در عروق شما جاری است . شما بادیدن آن همه آیات و براهین رسالت ، بعد از مشاهده غرق فرعون و نجات خود گوساله ای را بخدائی می پذیرید اماموسائی را بر رسالت نمیشناسید؟!

این خون فاسد گوساله پرستی باید ریخته شود . شاهنوز لایق داشتن استقلال فکر توحیدی نیستید .
باید يك قصه اجتماعی بزرگ انجام دهید تا توبه شما پذیرفته شود و لیاقت اجرای وظایف خویش را بیابید .

میگویند: بنی اسرائیل در هم ریخته ابرسیاهی آنانرا احاطه کرد تا یکدیگر را نه بینند و نشناسند عده ای شمیر کشیده و بکشتن مشغول شدند موسی و هارون هم دعا میکردند و درخواست اجابت توبه مینمودند بالاخره پس از کشته شدن چندین هزار نفر خداوند توبه پذیر مهربان توبه آنانرا پذیرفت آنوقت توبه شان پذیرفته شد که خون فاسدشان ریخت و اوهام و اخلاق پستی که بتوارث در میان آنخون جای گرفته بود ، و قدرت ارتجاعی آن بنی اسرائیل را همیشه بطرف عادت و عقاید شرك و زبونی می کشاند ، با آن خون در صفحه بیابان ریخته شد .

تذکره به طالبین خرید سهام شرکت سهامی

مطبوعات اسلامی

نامه های زیادی از شهرستانها رسیده و توسط این اداره تقاضای خرید سهام شرکت سهامی مطبوعات اسلامی را نموده اند چون شرکت سهامی مطبوعات اسلامی از فروش سهام قبل از انتشار اوراق رسمی سهم خود داری مینموده تقاضاهای واصله ترتیب اثر داده نمی شد اینک که چاپ اوراق سهام تمام شده در شرف امضای هیئت مدیره شرکت می باشد و در ظرف یکی دو هفته دیگر اوراق سهام قریباً منتشر میشود این محظور مرتفع گردیده لذا بدین وسیله به طالبین سهام مژده میدهیم که برای خرید هر يك سهم یک هزار ریال یا توسط پست بینه سفارشی یا بوسیله بانک ملی ایران اداره مرکزی بحساب شماره ۳۷۶۸۸ اداره روزنامه آئین اسلام حواله تلگرافی بانگی ارسال نمایند تا توسط دفتر این اداره سهام مزبور خریداری و ارسال شود .